

English Word or Phrase	Dari Translation (ترجمه به دری)
blog	وب‌نوشت / بلاگ
concert	کنسرت / اجرای موسیقی
genre (of music)	نوع / سبک موسیقی
pop / jazz / folk / Latin music	پاپ / جاز / فولک / لاتین
play (music/game)	نواختن / بازی کردن
sit at the computer	نشستن پشت کامپیوتر
edit (photos / music)	ویرایش کردن
martial arts	ورزش‌های رزمی (مانند تکواندو)
puzzle / Sudoku	پازل / سودوکو
polite explanation	توضیح مؤدبانه

Lesson C and D

30 Difficult Sentences with Dari Translations

English Sentence	Dari Translation (ترجمه به دری)
1. I enjoy creative writing, especially in the evenings.	من از نویسندگی خلاقانه لذت می‌برم، مخصوصاً در هنگام شام.
2. I like designing cards and experimenting with computer graphics.	من طراحی کارت‌ها و آزمایش با گرافیک کامپیوتری را دوست دارم.
3. I play the saxophone and a little piano, but not very well.	من ساکسوفون و کمی پیانو می‌نوازم، اما خیلی خوب نیستم.
4. I prefer watching sports to working out at the gym.	من تماشای ورزش را نسبت به تمرین در جم ترجیح می‌دهم.
5. I'm good at learning new programs and skills.	من در یادگیری برنامه‌ها و مهارت‌های جدید خوب هستم.

راهنمایی آموزشی سطح متوسط – دوره ششم

Lesson A and B

30 Difficult Words with Dari Translations

English Word or Phrase	Dari Translation (ترجمه به دری)
creative writing	نویسندگی تخیلی / خلاق
majoring (in journalism)	رشته‌اش روزنامه‌نگاری است
saxophone	ساز ساکسوفون
pool (as a game)	بازی بلیارد
jog / jogging	آهسته دویدن
into (computer graphics)	علاقه‌مند به گرافیک کامپیوتر
occasional	گاه‌گاهی / زمانی به زمانی
prefer	ترجیح دادن
be good at	مهارت داشتن / در چیزی خوب بودن
hate	نفرت داشتن / دوست نداشتن
taste (in music)	سلیقه (در موسیقی)
object pronouns (him, her...)	ضمایر مفعولی مانند (او، آن‌ها...)
everybody / nobody	همه / هیچ‌کس
linking expressions	عبارات پیونددهنده (مانند "به همین دلیل"، "اما")
really / not really	واقعاً / نه خیلی
cooking	آشپزی
drawing	نقاشی
graphic design	طراحی گرافیکی
musical instrument	آلهٔ موسیقی
talent show	نمایش استعدادی / برنامه استعدادها

English Sentence	Dari Translation (ترجمه به دری)
20. Do you know her? I really like her voice.	آیا او را می شناسی؟ من صدایش را واقعاً دوست دارم.
21. I saw them in concert last year.	من آن ها را سال گذشته در کنسرت دیدم.
22. She smiled at us during the performance.	او هنگام اجرا به ما لبخند زد.
23. No one writes music like Chris Martin does.	هیچ کس مانند Chris Martin موسیقی نمی نویسد.
24. I'd really like to take a look at your blog someday.	من واقعاً دوست دارم روزی وب نوشته ها را ببینم.
25. Are you into photography or just casual snapshots?	آیا به عکاسی علاقه مندی یا فقط عکس های معمولی می گیری؟
26. I'm not really into cooking, but I do it every day.	من واقعاً به آشپزی علاقه ندارم، اما هر روز انجامش می دهم.
27. I prefer spending my evenings with friends.	من ترجیح می دهم شب هایم را با دوستانم بگذرانم.
28. I look at magazines, but I don't read much.	من به مجله ها نگاه می کنم، اما زیاد نمی خوانم.
29. I enjoy puzzles like Sudoku more than board games.	من از پازل هایی مانند سودوکو بیشتر از بازی های تخته ای لذت می برم.
30. I'm not good with my hands—fixing things is hard for me.	من با دستانم خوب نیستم—تعمیر کردن چیزها برایم دشوار است.

Lesson C and D

English Term	Dari Translation (ترجمه به دری)
really	واقعاً / بسیار
not really	نه خیلی / زیاد نه
polite	مؤدبانه

English Sentence	Dari Translation (ترجمه به دری)
6. I can't sing at all, though I really enjoy music.	من اصلاً آواز خوانده نمی توانم، اگرچه موسیقی را واقعاً دوست دارم.
7. Nobody in my house listens to classical music.	هیچ کس در خانه ام موسیقی کلاسیک گوش نمی دهد.
8. Everybody likes Coldplay and their music.	همه Coldplay و موسیقی شان را دوست دارند.
9. I like hip-hop, jazz, and classical music.	من هیپ هاپ، جاز و موسیقی کلاسیک را دوست دارم.
10. I don't care for electronic music—it's just noise to me.	من به موسیقی الکترونیکی علاقه ندارم—برای من فقط صدا است.
11. I love pop music, especially Adele's songs.	من موسیقی پاپ را دوست دارم، مخصوصاً آهنگ های Adele.
12. Are you interested in joining a gym class?	آیا علاقه مند هستی در یک صنف جم ثبت بشوی؟
13. I hate sitting at the computer during my free time.	من از نشستن پشت کامپیوتر در وقت آزاد نفرت دارم.
14. I enjoy going to the gym but not taking classes.	من رفتن به جم را دوست دارم، اما در صنف ها اشتراک نمی کنم.
15. I'd like to start tennis lessons next month.	من می خواهم درس های تنیس را از ماه آینده شروع کنم.
16. I love eating out with friends on weekends.	من در آخر هفته با دوستانم بیرون غذا خوردن را دوست دارم.
17. What kinds of games do you enjoy playing online?	چه نوع بازی هایی را دوست داری آنلاین بازی کنی؟
18. Can you play music by ear, or do you read sheet music?	می توانی با گوش موسیقی بنوازی یا نت موسیقی را می خوانی؟
19. I like him—he's a great singer.	من او را دوست دارم—او آوازخوان خوبی است.

English Term	Dari Translation (ترجمه به دری)
turn your hobby into a business	سرگرمی ات را به تجارت تبدیل کردن
sound softer	نرم تر یا مؤدبانه تر به نظر رسیدن

Lesson C and D

30 Difficult Sentences with Dari Translations

English Sentence	Dari Translation (ترجمه به دری)
1. I'd really like to take a look sometime.	من واقعاً دوست دارم روزی ببینمش.
2. I don't really have much time for hobbies.	من واقعاً وقت زیادی برای سرگرمی ها ندارم.
3. "Not really" is a polite way to say no.	«نه خیلی» یک روش مؤدبانه برای گفتن نه است.
4. I'm not very artistic, but I enjoy making things with my hands.	من خیلی هنری نیستم، اما از ساختن چیزها با دست هایم لذت می برم.
5. Are you into computers and learning new software?	آیا علاقه مند به کامپیوتر و یادگیری برنامه های جدید هستی؟
6. I really like editing videos in my free time.	من واقعاً از ویرایش ویدیوها در وقت آزاد خود لذت می برم.
7. My sister collects teddy bears—not really my thing though.	خواهرم خرس های عروسکی جمع آوری می کند—هرچند برای من جالب نیست.
8. I'm good at puzzles, especially crosswords and Sudoku.	من در حل پازل ها خوب هستم، مخصوصاً جدول کلمات و سودوکو.
9. Fixing up motorcycles is expensive, but I enjoy doing it.	بازسازی موتورسایکل ها هزینه بر است، اما من از انجامش لذت می برم.
10. Hiking helps me relax, especially on weekends.	کوه پیمايي به من کمک می کند آرام شوم، مخصوصاً در آخر هفته.

English Term	Dari Translation (ترجمه به دری)
artistic	هنری / دارای استعداد هنری
crosswords	جدول کلمات متقاطع
puzzles	معمماها / پازل ها
collecting	جمع کردن / کلکسیون سازی
memorabilia	یادگاری ها / اشیای خاطره انگیز
editing	ویرایش
motorcycle	موتورسایکل
hiking	کوه پیمايي / قدم زنی در طبیعت
geocaching	جستجوی گنج دیجیتالی با GPS
outdoors	فضای باز / بیرون از خانه
duct tape	نوار چسب (نوع ضخیم و رنگی)
jewelry	جواهرات / زیورآلات
artistic	هنری / خلاقانه
flea market	بازار دوره ای / بازار دست دوم
greeting cards	کارت تبریک
hobby	سرگرمی
practice (a skill)	تمرین کردن (یک مهارت)
linking expressions	عبارات پیونددهنده
contrast	تضاد / مقایسه تفاوت
reason	دلیل
especially	مخصوصاً
competition	رقابت / مسابقه
post comments	نظر دادن (در یک وبسایت)
scan for keywords	برای واژه های کلیدی جستجو کردن
editing videos	ویرایش ویدیوها

English Sentence	Dari Translation (ترجمه به دری)
24. I enjoy riding my bike—it's healthy and saves money.	من از دوچرخه سواری لذت می برم—سلامت است و پول صرفه جویی می کند.
25. Some classes teach you how to turn your hobby into a business.	برخی صنف ها به تو یاد می دهند چگونه سرگرمی ات را به تجارت تبدیل کنی.
26. Scan the forum posts for key words before reading in detail.	قبل از مطالعه دقیق، پُست های فورم را برای واژه های کلیدی مرور کن.
27. Lisa prefers to cycle outdoors, not indoors.	لیزا دوچرخه سواری در فضای باز را ترجیح می دهد، نه داخل سالن.
28. Joe checks the hiking website every day to find new places.	جو هر روز وب سایت کوه پیمایی را بررسی می کند تا مکان های جدید بیابد.
29. Everyone loves music, but not everyone agrees on what's "good."	همه موسیقی را دوست دارند، اما همه در مورد موسیقی "خوب" توافق ندارند.
30. I'm interested in joining a band, but I don't have a lot of time.	من علاقه مند به پیوستن به یک گروه موسیقی هستم، اما وقت زیاد ندارم.

گرامر: ساختارهای فعل در مورد سرگرمی ها و توانایی ها

۱. can / can't + فعل ساده (base form)

از "can" برای بیان توانایی استفاده می کنیم و از "can't" برای بیان ناتوانی.

معنی دری	مثال انگلیسی	ساختار
من می توانم پیانو بنوازم.	I can play the piano.	فعل ساده + can
من اصلاً آواز خوانده نمی توانم.	I can't sing at all.	فعل ساده + can't

English Sentence	Dari Translation (ترجمه به دری)
11. I spend a lot of money on my hobby—maybe too much!	من برای سرگرمی ام زیاد پول مصرف می کنم—شاید بیش از حد!
12. I'm not really good at playing guitar, but I like to try.	من واقعاً در نواختن گیتار خیلی خوب نیستم، اما دوست دارم امتحان کنم.
13. I make money from selling handmade wallets and cards.	من از فروش کیف ها و کارت های دستی پول به دست می آورم.
14. Would you like to learn a new skill like web design?	آیا دوست داری مهارت جدیدی مثل طراحی وب یاد بگیری؟
15. I like making jewelry, especially earrings and bracelets.	من ساختن زیورآلات را دوست دارم، مخصوصاً گوشواره و دست بند.
16. Geocaching is a fun outdoor hobby you can do with a smartphone.	جستجوی گنج دیجیتال یک سرگرمی فضای باز و جالب است که با موبایل می شود انجام داد.
17. I'm not interested in jogging, but I enjoy walking.	من علاقه مند به دویدن نیستم، اما از قدم زدن لذت می برم.
18. Pottery is a good option—even if you're not creative.	کوزه گری یک گزینه خوب است—even اگر خلاق نباشی.
19. You don't have to walk fast—it's still great exercise.	لازم نیست سریع قدم بزنی—هنوز هم ورزش خوبی است.
20. Try making greeting cards—people love handmade gifts.	کارت تبریک بساز—مردم هدیه های دستی را دوست دارند.
21. I started a hat shop online to sell my knitting.	من یک فروشگاه آنلاین برای فروش کلاه های بافتنی ام شروع کردم.
22. I hate being on the computer all the time.	من از بودن در پشت کامپیوتر در تمام وقت نفرت دارم.
23. Ask local gift stores to sell your crafts if you prefer offline business.	اگر تجارت غیر آنلاین ترجیح می دهی، از فروشگاه های محلی بخواه تا صنایع ات را بفروشند.

۳. -ing فعل + فعل

معنی دری	مثال انگلیسی	فعل اصلی
من شنا کردن را بسیار دوست دارم.	I love swimming.	love
من بیلپارد بازی کردن را دوست دارم.	I like playing pool.	like
من از تمرین کردن متنفرم.	I hate working out.	hate
من دیدن تلویزیون را ترجیح می‌دهم.	I prefer watching TV.	prefer
من از مطالعه کردن لذت می‌برم.	I enjoy reading.	enjoy

۴. -ing حرف اضافه + فعل

وقتی حرف اضافه (مانند at ، in ، of) قبل از فعل می‌آید، فعل بعدی همیشه به **-ing** ختم می‌شود.

معنی دری	مثال انگلیسی	ساختار
من در نقاشی کردن انسان‌ها مهارت دارم.	I'm good at drawing people.	be good at + -ing
من علاقه‌مند به اسکی کردن هستم.	I'm interested in skiing.	be interested in + -ing
من به ثبت‌نام در جم علاقه ندارم.	I'm not interested in joining a gym.	not interested in + -ing

♦ بعد از "can" یا "can't" هیچ‌وقت "to" یا "ing" نمی‌آید.

۲. (infinitive) فعل + to + فعل

نکته اول: این فعل‌ها هم با infinitive(to+ verb) استفاده می‌شوند هم با Gerund(verb+ing)

نکته دوم: would like تنها با infinitive استفاده می‌شود.

نکته سوم: enjoy تنها با Gerund استفاده می‌شود.

معنی دری	مثال انگلیسی	فعل اصلی
من شنا کردن را بسیار دوست دارم.	I love to swim.	love to
من بیلپارد بازی کردن را دوست دارم.	I like to play pool.	like to
من از تمرین ورزشی متنفرم.	I hate to work out.	hate to
من تماشای تلویزیون را ترجیح می‌دهم.	I prefer to watch TV.	prefer to
من دوست دارم جاز بنوازم.	I'd like to play jazz.	would like to

♦ "would like to" یک روش مؤدبانه برای ابراز خواستن است.

معنی دری	معنی انگلیسی	واژه
همه / همه مردم	all people (همه افراد)	Everybody
هیچ کس	no people (هیچ کس)	Nobody
هیچ کس	Nobody برابر با	No one

♦ این واژه‌ها افعال مفرد می‌گیرند چون از نظر گرامری مفرد هستند:

- ✓ Everybody **says** that.
- ✓ Nobody **is** here.
- ✓ No one **listens** to rap.

✗ اشتباه ← Nobody **are** here. غلط است.

مثال‌های ترکیبی

- ضمیر مفعولی است «her» ← "She's pretty good. I like **her**."
- شده «he» جایگزین «him» ← "He's not local. I don't know **him**."
- اشاره به یک گروه «them» ← "Do you like **them**?"
- به همه مردم اشاره دارد «Everybody» ← "Everybody **says** that."
- هیچ کس طرفدار موسیقی جاز نیست ← "Nobody **is** a jazz fan."

ضمایر مفعولی (Object Pronouns) و واژه‌های "Everybody" / "Nobody"

۱. ضمایر مفعولی (Object Pronouns)

ضمایر مفعولی بجای گیرنده عمل استفاده میشود.

معنی دری	مثال انگلیسی	ضمیر مفعولی	ضمیر فاعلی
آن من هستم در سی دی.	That's me on the CD.	me	I
بیا به ما گوش بده.	Come listen to us.	you	You
من او (مرد) را نمی‌شناسم.	I don't know him.	him	He
من او (زن) را دوست دارم.	I like her.	her	She
من آن را دوست دارم.	I like it.	it	It
آنها ما را دعوت کردند.	They invited us.	us	We
آیا آنها را دوست داری؟	Do you like them?	them	They

♦ ضمیر مفعولی معمولاً بعد از فعل یا حرف اضافه می‌آید.

Everybody / Nobody / No one

این‌ها ضمایر نامعین هستند و برای اشاره به افراد به طور عمومی استفاده می‌شوند.